

واکاوی عوامل اقتصادی - امنیتی و اگریایی روابط جمهوری اسلامی ایران و جمهوری آذربایجان ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۶

میترا راه‌نجات^۱ - حسن کبیری^۲

دریافت: ۱۳۹۶/۱۰/۱۷ - پذیرش: ۱۳۹۷/۲/۲۵

چکیده

آذربایجان از جمله کشورهای قفقاز جنوبی است که به دلیل ویژگی‌های خاص ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیکی برای ایران از اهمیت خاصی برخوردار است. علی‌رغم وجود زمینه‌های متعدد همگرایی میان ایران و آذربایجان، بیشتر شاهد واگریایی میان دو کشور بوده‌ایم. پرسش این است که در فاصله زمانی ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۶ چه عواملی بر واگریایی روابط ایران و آذربایجان مؤثر بوده است؟ فرضیه عبارت است از عمده عوامل مؤثر بر واگریایی روابط دو کشور را باید در قالب عوامل اقتصادی و امنیتی و سیاسی جست‌وجو کرد که توسط بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای به‌عنوان یک ابزار نفوذ جهت محدود کردن دامنه نفوذ ایران در منطقه و تهدید بر ضد ایران استفاده شده است. این مقاله با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی و بر اساس داده‌های معتبر اسنادی و آرشیوی درصدد است عوامل واگریایی روابط دو کشور را تجزیه و تحلیل کند تا نشانه‌های فرصت برای سیاست خارجی ایران را از درون این تهدیدات شناسایی کند.

واژگان کلیدی: ایران، آذربایجان، عوامل واگریایی، اسرائیل، ایالات متحده.

مقدمه

منطقه قفقاز جنوبی^۱ از موقعیتی ویژه در سیاست خارجی ایران برخوردار است که عمده دلیل اهمیت آن را باید در موقعیت جغرافیایی و منابع ترانزیت انرژی دید که منجر به افزایش وزن ژئوپولیتیکی و ژئواکونومیکی این منطقه می‌شود. گرجستان و ارمنستان و آذربایجان، سه کشور تشکیل دهنده این منطقه هستند که ایران اشتراکات متعددی در زمینه‌های مختلف به خصوص در زمینه زبان و فرهنگ، با آن‌ها دارد. در میان سه کشور مذکور، آذربایجان از اهمیت بیشتری در سیاست خارجی ایران برخوردار است.

آذربایجان از نظر جغرافیایی ادامه آذربایجان ایران محسوب می‌شود و از نظر جمعیتی بالغ بر ۹ میلیون نفر جمعیت دارد که جمعیت شیعه آن بیش از ۷ میلیون نفر است. آذربایجان از جمله کشورهای نفت خیز منطقه قفقاز جنوبی است که در سال ۲۰۱۶ در حدود ۵/۱۸۹ میلیارد دلار از فروش نفت و گاز درآمد داشته است. ۹۵ درصد صادرات کشور آذربایجان و ۷۵ درصد بودجه داخلی آن از طریق منابع نفت و گاز تأمین می‌شود. در سال‌های ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۷ که قیمت نفت به شدت افزایش یافته بود، اقتصاد آذربایجان رشد ۲۱ درصد را تجربه کرد؛ اما با کاهش قیمت نفت در سال ۲۰۱۵ رشد اقتصادی آذربایجان منفی شد.^۲

در سال‌های پس از استقلال آذربایجان، همواره به نظر می‌رسید مؤلفه‌های متعددی که در زیر به آنها اشاره می‌شود بر روند هم‌گرایی دو کشور تأثیر داشته باشد. این مولفه‌ها عبارتند از:

تاریخ مشترک: آذربایجان تا اوایل قرن ۱۹ بخشی از ایران بود؛

پیوندهای فرهنگی: دو کشور در زمینه‌های متعدد تاریخی و فرهنگی از جمله عید نوروز و شاهنامه فردوسی با یکدیگر اشتراکات بسیار مهم دارند؛^۳ طالبات فرسکی

پیوندهای مذهبی: مردم آذربایجان از قرن هفتم مسلمان هستند و حتی تسلط ۷۰ ساله کمونیسم نتوانست این مذهب را میان آن‌ها تضعیف کند. اگرچه نظام سیاسی آذربایجان پس از استقلال، غیردینی ماند، اسلام بخش مهمی از هویت مردم این کشور را تشکیل می‌دهد و مهم‌تر اینکه در قفقاز جنوبی تنها کشور با اکثریت شیعه است. بر اساس گزارش بانک جهانی در سال ۲۰۱۵، در آخرین سرشماری دولت آذربایجان که در سال ۲۰۰۹ انجام شده است، ۹۵ درصد مردم آذربایجان مسلمان با ۸۵ درصد شیعه و بقیه سنی مذهب هستند.^۳

1. South Caucasus
2. Tradingeconomics.com
3. <http://worldpopulationreview.com>

روابط اقتصادی و حضور در سازمان‌های منطقه‌ای: دو کشور در طول سال‌های گذشته روابط اقتصادی قابل توجهی بویژه در بخش انرژی در قالب همکاری دوجانبه در سطح نهادهای منطقه‌ای داشته‌اند. حتی تشکیل بازارچه‌های مرزی که منجر به اشتغال‌زایی و توسعه اقتصادی مناطق مرزی و مبارزه با قاچاق کالا در دو کشور شده است، از نظر امنیتی، آثار مثبتی داشته است (زین العابدین، ۱۳۹۲: ۱۱۱). دو کشور در سازمان‌های منطقه‌ای همچون اکو و سازمان کنفرانس اسلامی عضو هستند.

با وجود وجوه اشتراک ذکر شده، پیوندهای دو کشور بعد از استقلال آذربایجان هرگز تعمیق نیافت. پرسش اصلی مقاله این است که چه عواملی بر واگرایی روابط دو کشور ایران و آذربایجان در سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۶ تأثیر داشته‌اند؟ فرضیه اصلی مقاله این است که عمده عوامل واگرایی روابط دو کشور را باید در قالب عوامل اقتصادی و امنیتی و سیاسی جست‌وجو کرد که از سوی بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای به صورت ابزار نفوذ مورد استفاده قرار گرفته است. این مقاله با استفاده از روش توصیفی تحلیلی و بر اساس داده‌های معتبر اسنادی و آرشیوی، درصدد است عوامل داخلی و خارجی مؤثر بر واگرایی دو کشور را مطالعه کند.

اگر چه مقالات متعددی در زمینه روابط آذربایجان و ایران به رشته نگارش درآمده است، مسئله مهمی که در اکثر این مقالات وجود دارد تمرکز نویسندگان مقالات بر عوامل مؤثر بر هم‌گرایی میان دو کشور است؛ در حالی که این مقاله تمرکز خود را بر روی عوامل مؤثر بر واگرایی روابط دو کشور قرار داده است. در همین زمینه نیز تعدادی مقالات وجود دارد که اکثر آن‌ها از نظر زمانی در برگیرنده دوره متأخر نیستند. هدف اصلی این مقاله، کشف فرصت‌ها از درون تهدیدهای ناشی از علل واگرایی روابط میان ایران و آذربایجان است و برای رسیدن به این هدف بر دو نوع از عوامل واگرایی یعنی اقتصادی و امنیتی نظامی متمرکز شده است. این عوامل بر اساس اصل واگرایی و علل تعارض بر مبنای بازی کنشگران داخلی و منطقه‌ای و بین‌المللی بررسی می‌شوند تا پس از شناسایی تهدیدهای ناشی از آن، فرصت‌های پیش روی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران را در رابطه‌اش با آذربایجان واکاوی شوند.

چارچوب مفهومی

تعارض و منازعه، قدمتی به بلندای تاریخ زیست بشر دارد. تعارض میان دو گروه از انسان‌ها به دلیل ناسازگاری واقعی یا ظاهری اهداف‌شان شکل می‌گیرد. منازعه دارای ماهیتی خشونت‌آمیز یا مسالمت‌آمیز، آشکار یا نهان، کنترل‌پذیر یا کنترل‌ناپذیر، قابل حل یا غیر قابل حل می‌باشد.

امروز بسیاری سیاست را هنر کارگردانی منافع متعارض تعریف می‌کنند که فرایندی برای حل و فصل مسالمت‌آمیز منازعات مختلف است (دوئرتی، ۱۳۷۶: ۵۱۲).

دولت‌ها عموماً از عوامل درونی و بیرونی در کنش و واکنش با محیط پیرامونی خود متأثرند. نظام هنجاری، فکری، فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی از عمده مسائل مورد توجه نظام حاکم بر کشورها و دولت‌هاست که در تعامل با دیگر واحدهای سیاسی خرد و کلان انگیزه تعامل و همگرایی یا ستیز و واگرایی را در سطح حاکمیت ملی یا نظام خرد و سطح کلان یا همان نظام بین‌الملل تحت شعاع خود قرار می‌دهد.

یکی از عوامل مهم در رویکرد سیاست خارجی یک کشور نسبت به همسایگان خود، سیاست‌ها و اقدام‌های متقابل میان آن‌هاست. یک اقدام از سوی دولت الف که به طور مستقیم یا غیرمستقیم دولت ب را تحت تأثیر قرار دهد، پاسخ آن دولت را بر می‌انگیزد. هرگاه این پاسخ و واکنش‌ها متقابل شکل غیرطبیعی به خود بگیرد، روابط دگرگون شده و تعاملی خصمانه میان آن‌ها حاکم می‌شود. عوامل متعددی به واسطه نوع اهداف، توانمندی‌ها یا برداشت‌های کشورها نسبت به یکدیگر، روابط را به بحران کشانده و زمینه واگرایی میان آن‌ها را فراهم می‌کند. مایکل برچر برخی از این عوامل را درگیری در یک اختلاف طولانی مدت، نزدیکی جغرافیایی طرفین، بی‌ثباتی داخلی، جلب حمایت یک قدرت بزرگ و عدم تجانس سیاسی، نظامی، اقتصادی و فرهنگی می‌داند (ازغندی و آقا علیخانی، ۱۳۹۱: ۲۲۷).

به طور کلی در تعریف، واگرایی عبارت است از «فرایندی که طی آن واحدهای سیاسی و دولت‌ها از یکدیگر دور شده و در اثر آن زمینه بحران فراهم می‌آید. نیروهای واگرا کار دولت را برای یکپارچه کردن مردم و قلمرو در یک مجموعه منسجم و هماهنگ مشکل می‌کنند، اختلاف فرهنگی و سیاسی یا اقتصادی میان جمعیت‌ها یا موانع جغرافیایی (در سر راه) و تماس میان مناطق مختلف همگی می‌توانند در حکم نیروهای مرکزگریز عمل کنند. اگر نیروهای مرکز گریز را بدون نظارت هرگونه سیستم متعادل‌کننده‌ای به حال خود واگذاریم موجب فروپاشی کشور می‌شوند (مویر، ۱۳۷۹: ۱۹۹).

عوامل مختلفی در واگرایی و ایجاد تعارض در نظام بین‌الملل مؤثرند که می‌توانند کشورها را از یکدیگر دور ساخته و زمینه‌های بحران و جنگ را فراهم کند. متغیرهای گوناگونی از جمله: عوامل انسانی و روانی، اجتماعی، واحدهای سیاسی نظام بین‌الملل و متغیرهای اجتماعی بین‌المللی می‌توانند در شکل‌گیری تعارض موثر واقع شوند (قوام، ۱۳۸۹: ۲۵۴). به طور کلی عوامل سبب‌ساز

تعارض و واگرایی در سه مسئله ریشه دارند: الف- تعارض بر سر منافع ملی؛ ب- تعارضات ایدئولوژیک؛ ج- رقابت‌های اقتصادی.

عمده تعارض میان دولت‌ها ناشی از به خطر افتادن منافع ملی آنهاست که این امر می‌تواند ناشی از تعارض به واسطه پر کردن خلأ قدرت در یک منطقه یا کشور خاص باشد. با آنکه تعارض بر اساس تقابل میان یک کشور طالب حفظ وضع موجود و خواهان تغییر وضع موجود به وجود می‌آید یا به عنوان مهم‌ترین دلیل، این تعارض می‌تواند به واسطه اعمال برتری در سطح منطقه‌ای یا بین‌المللی صورت گیرد؛ ضمن آنکه رقابت‌های اقتصادی در این تعارض‌ها مؤثر است و تعارض‌های ایدئولوژیک نیز از مهم‌ترین عوامل اساسی در ایجاد تعارض و واگرایی میان کشورها است. در روابط میان کشورها برخی از این تعارض‌ها می‌تواند وجود داشته باشد؛ اما اگر همه این عوامل ایفای نقش کنند، نوع روابط از اختلاف طبیعی فراتر رفته و زمینه واگرایی و بروز بحران در روابط میان آن‌ها فراهم می‌کند (از غندی و آقا علیخانی، ۱۳۹۱: ۲۲۸).

علاوه بر سه منشأ گفته شده برای واگرایی، در بعضی مناطق و دوره‌های تاریخی، حضور بازیگران خارجی نیز زمینه‌ساز واگرایی یا تشدید عوامل واگرایانه در روابط دو کشور شده است؛ به گونه‌ای که در این مقاله نشان داده خواهد شد که چگونه حضور و نفوذ بازیگران فرامنطقه‌ای و خارجی منجر به تشدید واگرایی در روابط ایران و آذربایجان شده است.

یکی از عوامل اصلی گسترش تعارضات، درگیر شدن طرف یا بازیگر جدید در تعارض است. در وضعیت تعارض، دولت ضعیف که خود را در معرض شکست می‌بیند با وارد کردن بازیگران دیگر که بیرون از وضعیت هستند، باعث پیچیده شدن وضعیت تعارض می‌شود. علت اصلی پیچیده شدن تعارض این است که هرطرف تعارض اهداف خاص خود را دنبال می‌کند که منجر به شکل‌گیری موضوعات ناسازگار می‌شود. تشدید تعارض در نتیجه این پیچیدگی‌ها منجر به تغییر الگوی تعامل میان مخالفان می‌شود (قاسمی، ۱۳۸۹: ۳۸۰).

روابط اقتصادی ایران و آذربایجان

اگر ایران بخواهد سهم مهمی از اقتصاد جهانی را به خود اختصاص دهد، می‌بایست توسعه اقتصادی خود را از درون منطقه شروع کند. یکی از مناطقی که ایران توانسته است جای پای خوبی برای اقتصاد خود در آن به وجود بیاورد، منطقه قفقاز جنوبی است. پس از استقلال آذربایجان، ایران روابط اقتصادی خود را با این جمهوری شروع کرد و درصدد توسعه آن برآمد.

در فاصله سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۵ ایران به‌طور میانگین سالانه ۳۴۴/۵ میلیون دلار به آذربایجان صادرات داشته است و در همین بازه زمانی به‌طور میانگین سالانه ۱۰۵/۳۱ میلیون دلار واردات از آذربایجان داشته است. به این ترتیب، تراز تجاری ایران با آذربایجان در طول سال‌های مذکور همیشه مثبت بوده است. کل صادرات آذربایجان در سال ۱۶-۲۰۱۵ به میزان ۲۷ میلیارد و ۸۰۰ میلیون دلار بوده است و واردات آن ۱۱ میلیارد دلار بوده است. بخش صنعت با بیش از ۵ میلیارد دلار بالاترین سهم از واردات آذربایجان را دارد که صادرات ایران به آذربایجان در بخش صنعت در مقام اول قرار دارد. براساس اطلاعات منتشر شده از مقامات سفارت ایران در آذربایجان، مراودات اقتصادی و تجاری دو کشور در سال ۲۰۱۶ در حدود ۷۰ درصد رشد داشته است.^۱ مهم‌ترین محصولات صادراتی ایران به آذربایجان شامل محصولات ساختمانی و کشاورزی می‌شود و مهم‌ترین کالای وارداتی ایران از آذربایجان شامل پروفیل و روغن‌های سبک است. علی‌رغم ظرفیت عظیم گسترش روابط اقتصادی میان دو کشور، این رابطه همچنان در سطح تقریباً ضعیفی باقی ماند که عمده دلایل این ضعف و واگرایی را می‌توان در چند مقوله بررسی کرد.

جدول ۱: مبادلات تجاری جمهوری اسلامی ایران با جمهوری آذربایجان (میلیون دلار)

سال	صادرات به آذربایجان	واردات از آذربایجان	سال	صادرات به آذربایجان	واردات از آذربایجان
۲۰۰۰	۲۱۶	۲۷	۲۰۰۸	۳۶۸	۲۴۰
۲۰۰۱	۳۲۳	۲۰	۲۰۰۹	۳۷۳	۱۷۱
۲۰۰۲	۲۴۹	۲۰	۲۰۱۰	۳۹۳	۱۲۷
۲۰۰۳	۲۹۱	۷۷	۲۰۱۱	۴۳۴	۴۰
۲۰۰۴	۲۶۰	۱۳۵	۲۰۱۲	۴۹۳	۴۵
۲۰۰۵	۳۰۹	۱۳۶	۲۰۱۳	۴۶۵	۳۱
۲۰۰۶	۳۴۹	۳۲۲	۲۰۱۴	۴۰۳	۲۲
۲۰۰۷	۳۶۸	۲۴۰	۲۰۱۵	۲۱۸	۳۲

منبع: www.tccim.ir و wits.worldbank.org

عوامل اقتصادی و امنیتی نظامی مؤثر بر واگرایی روابط ایران و آذربایجان

الف- اختلاف بر سر تعیین رژیم حقوقی دریای خزر

بر اساس آمار تخمینی سازمان انرژی جهانی، دریای خزر در مجموع ۵۰ میلیارد بشکه نفت و

1. www.ehtesadonline.com

۲۶۰ تریلیون فوت مکعب گاز دارد. این دریای بسته، ساحل خود را بین کشورهای قزاقستان با ۱۶۰۰ کیلومتر، ترکمنستان ۶۵۰ کیلومتر، روسیه ۶۹۵ کیلومتر، آذربایجان ۶۰۰ کیلومتر و ایران نزدیک به ۶۰۰ کیلومتر تقسیم کرده است. در واقع، کمترین میزان ساحل به ایران و بیشترین میزان ساحل به قزاقستان تعلق دارد.

وجود ذخایر انرژی در دریای خزر و تفاوت وسعت ساحل‌ها مبنای اختلاف ایران و آذربایجان در شیوه تقسیم دریای خزر بوده است. ایران خواهان تقسیم مساوی این دریا بر مبنای سهم ۲۰ درصدی هریک از ۵ کشور دریای خزر است؛ در حالی که آذربایجان طرح خط میانه را مطرح می‌کند. طرح آذربایجان بر مبنای کنوانسیون ۱۹۸۲ سازمان ملل متحد در مورد دریاها است که بر اساس آن خواهان تقسیم خزر به مناطق ملی است تا بتواند در مناطق غنی نفتی مجاور ساحل خود حق حاکمیت انحصاری را اعمال کند (میرطاهر، ۱۳۸۱: ۹۳-۹۴). اگر ایران طرح آذربایجان را بپذیرد به جای سهم ۲۰ درصدی پیشنهادی خودش، از سهم ۱۳/۶ درصدی برخوردار خواهد بود. طرح آذربایجان در سال ۱۹۹۵ مورد تأیید امریکا نیز قرار گرفته است (نادر پور، ۱۳۸۲: ۱۱۷) که اختلاف میان ایران و آذربایجان را تشدید کرد.

در سال ۲۰۰۱ این اختلاف تشدید شد به گونه‌ایی که آذربایجان با هر ادعایی که هدف آن خنثی کردن حق حاکمیت در بخش مربوط به آذربایجان باشد، مخالفت کرد و با اعطای اجازه از سوی ایران به شرکت *رویال داچ شل* و *لاسمو* برای بررسی لزره‌نگاری در منطقه که محدوده سرزمینی آذربایجان فرض می‌شود، به شدت مخالفت کرد. در مقابل، ناو ایران هم به کشتی بریتیش پترولیوم که در منطقه البرز دریای خزر فعال شده بود دستور خروج داد (ملکی، ۱۳۸۳: ۱۶۶-۱۷۲). حتی این اختلاف به نام‌گذاری دریا هم کشیده شد؛ به گونه‌ای که آذربایجان از این که نام دریا «دریای مازنداران»، که هم نام استان شمالی ایران است، ابراز نارضایتی کرده است (Cohen, 2002). توافق نکردن ایران و آذربایجان بر سر تعیین رژیم حقوقی دریای خزر، معضلات متعدد زیست‌محیطی و اقتصادی هم برای ایران و هم برای کل دریای خزر به وجود آورده است؛ به گونه‌ای که آلودگی محیط زیست دریای خزر و صید بی‌رویه ماهی خاویار، فرصت‌های اقتصادی ایران را در این منطقه تهدید می‌کند.

از سال ۱۳۷۱ که نشست وزرای امور خارجه ۵ کشور ساحلی دریای خزر به‌طور مرتب برگزار می‌شود، همواره این هدف، در ۴۰ جلسه کارشناسی و ۴ جلسه اجلاس سران، دنبال شده است تا راه‌حلی برای این مشکل یافته شود؛ اما تاکنون نتیجه‌ای حاصل نشده است. به نظر افشار سلیمانی،

سفیر سابق ایران در آذربایجان، ریشه این عدم توافق به نوع بازیگری روسیه باز می‌گردد. در ابتدا روسیه و ایران، در بحث رژیم حقوقی دریایی خزر، هر دو بر قراردادهای ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰ تأکید داشتند و توافق خود را مبنی بر عدم بهره‌برداری از منابع فسیلی زیردریایی خزر تا تعیین رژیم حقوقی خزر، در ۲۰ سند همکاری مشترک میان تهران و مسکو منعکس ساختند؛ اما قرارداد ۱۹۹۸ روسیه و قزاقستان ناقض توافقات روسیه و ایران بود؛ زیرا طبق این قرارداد دو کشور اصل خط میانی را پذیرفتند و با در نظر گرفتن سهم ۲۹ درصدی برای قزاقستان و ۱۸ درصدی برای روسیه بر سر بهره‌برداری از «منابع بستر»^۱ دریای خزر توافق کردند. حتی توافق کردند اگر خط میانی روی منابع مشترک قرار گرفت، هر دو کشور بهره‌برداری مشترک داشته باشند. در سال ۲۰۰۰ توافق جدیدی میان روسیه و قزاقستان صورت می‌گیرد که بر اساس آن «منابع زیر بستر» را هم تقسیم کنند.^۲

تأثیر روسیه را می‌توان در توافق آذربایجان و قزاقستان هم دید که دو کشور را ترغیب و هماهنگ کرد که بر اساس اصل خط میانی سند همکاری منعقد کنند. حتی این تفاهم منجر به تفاهم سه‌جانبه روسیه و قزاقستان و آذربایجان شد که خط میانی را مبنا قرار می‌دهد. این توافق، زمینه‌ای شد که بر مبنای آن دو کشور قزاقستان و آذربایجان قراردادهای نفتی با کنسرسیوم‌های بین‌المللی برای بهره‌برداری از ذخایر نفت و گاز خزر منعقد سازند (Zimnitskaya, 2011).

شناخته‌شده‌ترین میدان نفت و گاز ایران در دریای خزر، میدان سردار جنگل است که مطالعات اکتشافی آن از سال ۱۳۸۰ شروع شد و در سال ۱۳۹۰ به نتیجه رسید. این میدان با ۵۰ هزار میلیارد فوت مکعب ذخیره در جای گاز بیش از ۱۰ برابر میدان شاه‌دینز جمهوری آذربایجان ذخیره‌گازی دارد. این منبع مورد مناقشه ایران و آذربایجان است که سهم ایران ۱۱ تریلیون فوت مکعب گاز اعلام شده است. همچنین نفت قابل استحصال آن حدود ۵۰۰ میلیون بشکه برآورد شده است (Zimnitskaya, 2011).

توافق روسیه و دو کشور مذکور که در جهت عکس توافق با ایران بوده است، در عمل، قانونی را برای شمال دریای خزر تعیین کرده که به شیوه خودشان قسمت شمالی را تقسیم کرده‌اند. مسئله مهم این است که شمال دریای خزر، به دلیل این که منابع بیشتری را در خود جای داده است و این منابع در عمق کم قرار دارند که هزینه استخراج آن‌ها هم پایین است، عملاً ۶۶

۱. لازم به توضیح است که از نظر حقوق بین‌الملل منابع بستر با منابع زیربستر متفاوت است. منابع زیربستر همان منابع فسیلی است که با ارزش‌اند ولی منابع بستر، بحث حاکمیتی کشورها است که اصولاً باید مشاع باشد.

درصد کل دریا را به خود اختصاص داده است؛ لذا سهم اندکی برای ایران باقی می‌ماند.

ب- همکاری‌های رژیم اشغالگر قدس و آذربایجان

پیش از ورود به بحث نوع همکاری‌های رژیم اشغالگر قدس و آذربایجان توضیح چند مسئله در باب اهمیت حضور رژیم اشغالگر قدس در منطقه قفقاز جنوبی بویژه در آذربایجان ضروری می‌نماید. نخست: سیاست خارجی رژیم اشغالگر قدس همواره تحت تأثیر عواملی همچون موقعیت ژئوپلیتیکی آن، اختلاف با اعراب و مشکل پذیرش موجودیت و مشروعیت آن توسط جامعه جهانی بویژه اعراب بوده است. بر همین اساس، دو اصل کلی سیاست حضور در مناطق پیرامونی و خروج از انزوای سیاسی و دیپلماتیک، از ابتدا الگوی دیپلماسی رهبران رژیم اشغالگر قدس بوده است. دوم: ورود اسرائیل به منطقه قفقاز جنوبی در قالب استراتژی کلان امنیتی آن رژیم تعیین شده است. این استراتژی شامل اهداف سیاسی، امنیتی، فرهنگی و ایدئولوژیک می‌شود. اهداف سیاسی رژیم اشغالگر قدس شامل چند مورد است: تلاش برای یافتن متحدان جدید با هدف خروج از انزوای سیاسی، خارج کردن بعد اسلامی مبارزه با رژیم اشغالگر قدس و تضعیف عامل دین در مناقشه فلسطین، هم‌سو کردن سیاست خارجی دولت‌های قفقاز در مسئله فلسطین با سیاست‌های رژیم اشغالگر قدس، جلوگیری از توسعه روابط کشورهای این منطقه با ایران و نفوذ الگوی حکومتی ایران در منطقه قفقاز جنوبی، تلاش برای ارتقای موقعیت سیاسی یهودیان در منطقه و تسهیل مهاجرت آنان به رژیم اشغالگر قدس. سوم: اهداف امنیتی رژیم اشغالگر قدس در پرتو استراتژی اتحاد پیرامونی جدید و برای مقابله با ایران به‌عنوان مهم‌ترین تهدید استراتژیک خود تلاش کرده است با نفوذ در منطقه و انجام اقداماتی که به‌طور مفصل در این مقاله مورد بحث قرار خواهد گرفت، دغدغه‌های امنیتی خود را از سمت ایران کاهش دهد و آسیب‌پذیری ایران را افزایش دهد. چهارم: مهم‌ترین اهداف اقتصادی رژیم اشغالگر قدس در قفقاز عبارت‌اند از: دستیابی به نفت و مواد خام اولیه برای تولیدات صنعتی، سرمایه‌گذاری در پروژه‌های گسترده کشاورزی، فروش محصولات تولیدی رژیم اشغالگر قدس و جلوگیری از مشارکت ایران در توانایی‌های منطقه‌ای.^۱

روابط اقتصادی

با سفر معاون نخست‌وزیر وقت رژیم صهیونیستی به باکو در سال ۱۹۹۲، روابط رژیم اشغالگر قدس و آذربایجان به‌طور رسمی آغاز می‌شود (Murinson, 2014: 19) و طی آن مقاله‌نامه افتتاح

سفارت رژیم صهیونیستی در باکو و قرارداد دایر کردن خط هوایی باکو- تل آویو منعقد می‌شود (کاظمی، ۱۳۸۶: ۴۵۹). در استراتژی امنیت ملی اسرائیل، نفوذ اقتصادی، مقدمه نفوذ سیاسی قلمداد می‌شود. اظهارات شیمون پرز^۱ مبنی بر اینکه قدرت تل آویو مبتنی بر علم و تکنولوژی است و نه ارتش، بیانگر اهمیت اقتصاد از دید مقامات این رژیم است (Ravid, 2013). رابطه آذربایجان و رژیم اشغالگر قدس از بعد اقتصادی در حوزه‌های انرژی و ارتباطات و کشاورزی مشهود است.

از سال ۱۹۹۴ روابط اقتصادی رژیم اشغالگر قدس و آذربایجان رو به پیشرفت گذاشته است؛ به گونه‌ای که در سال ۱۹۹۴ شرکت بزیک^۲، مهم‌ترین تأمین‌کننده ارتباطات دوربرد رژیم اشغالگر قدس، سهم عظیمی از شرکت تلفن آذربایجان را خریداری کرد و کلیه خطوط تلفن آذربایجان را ایجاد کرد و خدمات منطقه‌ای نیز به آذربایجان می‌دهد. شرکت سرمایه‌گذاری مشترک بک سل^۳ که میان وزارت ارتباطات آذربایجان و شرکت رژیم اشغالگر قدسی (GTIB) مشترک است، از سال ۱۹۹۴ به‌عنوان اولین اپراتور همراه در آذربایجان فعالیت می‌کند (Murinson, 2014: 27).

کمپانی‌های متعدد رژیم اشغالگر قدس در بخش انرژی آذربایجان فعال هستند. برای مثال، شرکت سیستم‌های مودکام^۴ که یک شرکت رژیم اشغالگر قدس و تأمین‌کننده تکنولوژی‌های صنایع نفت و گاز است، شعبه‌ای در آذربایجان دارد. بر اساس داده‌های مرکز تجارت خارجی رژیم اشغالگر قدسی در سال ۲۰۱۰ آذربایجان در میان شرکای تجاری رژیم اشغالگر قدس رتبه ۲۹ را به خود اختصاص داده بود؛ ولی رژیم اشغالگر قدس به خاطر واردات نفت از آذربایجان در رتبه دوم یا سوم شریک تجارت خارجی آذربایجان قرار داشت. شرکت BTC مجری سیستم لوله‌کشی ۱۱۰۰ مایلی از ترمینال سنگچال^۵ نزدیک باکو به بندر جیحان^۶ در مدیترانه است که از آنجا به وسیله تانکرها نفت به بازارهای جهانی می‌رود. رژیم اشغالگر قدس قسمتی از این نفت را به صورت مستقیم یا غیرمستقیم خواهد خرید. در حال حاضر ۳۰ درصد نفت بازارهای رژیم اشغالگر قدس توسط آذربایجان تأمین می‌شود. لازم به ذکر است که «شرکت نفت دولتی آذربایجان»^۷ در صدد بوده است با رژیم اشغالگر قدس در حوزه مدیترانه همکاری کند. همچنین

1. Shimon Peres
2. Bezeq
3. Bakcell
4. Modcom Systems Ltd.
5. Sangachal Terminal
6. Cyhan
7. The State Oil Company of Azerbaijan (SOCAR)

از سال ۲۰۱۲ در حوزه‌های پزشکی و تکنولوژی‌های پیشرفته رژیم اشغالگر قدس با آذربایجان همکاری‌ها را آغاز کرده است و در کنار این همکاری، تبادل آموزشی و علمی بین رژیم اشغالگر قدس و آذربایجان برقرار شده است (Murinson, 2014: 30).

جدول ۲: مبادلات تجاری آذربایجان و اسرائیل (میلیون دلار)

سال	صادرات آذربایجان به اسرائیل	واردات آذربایجان از اسرائیل
2000	135155	6079
2001	164130	6000
2002	154057	6740
2003	138112	2913
2004	323738	4102
2005	195062	10756
2006	684828	26179
2007	369845	30842
2008	3605829	80049
2009	1236197	80876
2010	1744821	59368
2011	81755	37556
2012	1666619	61591
2013	1260698	17693
2014	1766949	23958
2015	666275	24821

منبع: wits.worldbank.org

دیدار وزاری کشاورزی آذربایجان و رژیم اشغالگر قدس در سال ۲۰۱۲ منجر به شروع همکاری در برخی زمینه‌ها از جمله: توسعه پروژه‌ها در زمینه علوم دامپزشکی و گیاه‌شناسی، تبادل علوم در زمینه دامپزشکی، حفاظت گیاه و قرنطینه، همکاری در آبیاری، پروژه‌های مشترک در مورد عرضه و پردازش و ذخیره‌سازی محصولات کشاورزی، سازمان‌دهی مأموریت‌های تجاری،

نمایشگاه‌های ویژه و بازاریابی استراتژیک، کشاورزی ارگانیک و تبادل بهترین روش برای کشاورزان ارگانیک، زیرساخت‌های کشاورزی و توسعه تجهیزات برداشت و پرورش، همکاری میان مؤسسات پژوهشی کمک به تبادل اطلاعات در زمینه تحقیقات کشاورزی، شده است.^۱ در ادامه دیدار فوق در سال ۲۰۱۳ وزیر کشاورزی آذربایجان و سفیر اسرائیل در آذربایجان، برای بحث در مورد چشم‌انداز همکاری بین دو کشور در زمینه کشاورزی، دیدار کردند. هدف از این دیدار، سرعت بخشیدن به امضای توافقنامه کشاورزی اعلام شد.^۲

نتیجه قرارداد فوق و پیگیری‌های بعدی را در قرارداد یکی از بهترین مؤسسات تحقیقات کشاورزی رژیم اشغالگر قدس تحت عنوان «کمپانی علوم جلگه رژیم اشغالگر قدس»^۳ با وزارت کشاورزی آذربایجان در سال ۲۰۱۶ می‌توان دید. این قرارداد، معطوف به یکی از مهم‌ترین مشکلات کشاورزی آذربایجان است. کشاورزی آذربایجان به واردات دانه‌ها وابسته است. قسمت اعظم این دانه‌ها را کمپانی‌های اروپایی تولید می‌کنند که با ویژگی‌های آب آذربایجان ناسازگار است و در نتیجه، پس از کاشت، محصول با کیفیتی به دست نمی‌آید. کمپانی علوم جلگه رژیم اشغالگر قدس درصدد است با رفع این مشکل آذربایجان، دانه‌هایی تولید کند که با آب و خاک آذربایجان سازگار باشند. نتیجه این قرارداد برای آذربایجان مهم است؛ زیرا هم از واردات دانه‌ها کم می‌شود، هم فرصت اشتغال ایجاد می‌شود و هم از میزان وابستگی دولت آذربایجان می‌کاهد. لذا نوعی همکاری صنعتی و کشاورزی محور میان آذربایجان و رژیم اشغالگر قدس شکل گرفته است. لازم به ذکر است که رابطه آذربایجان و رژیم اشغالگر قدس در بخش کشاورزی منجر به حذف قانون مالیات دوگانه میان دو کشور نیز شده است.^۴

روابط امنیتی - نظامی

روابط رژیم اشغالگر قدس و آذربایجان تنها به حوزه اقتصادی محدود نیست، بلکه حوزه امنیتی - نظامی را هم در بر می‌گیرد. پیش از پرداختن به رابطه امنیتی رژیم اشغالگر قدس و آذربایجان درک این مسئله اهمیت دارد که بیش از ده‌ها هزار یهودی در آذربایجان زندگی می‌کنند و تعداد قابل توجهی از یهودیان رژیم اشغالگر قدس هم آذربایجانی هستند. به همین سبب، روابط آذربایجان و رژیم اشغالگر قدس از سوی دولت آذربایجان رابطه منحصر به فرد بیان

1. News.az/articles/economy/58495

2. Azertag.az/en/xeber/86467

3. The Israeli Plain Sciences

4. www.azernews.az, www.azernews.az/business

شده است که از واژه «رابطه خاص» یا «اتحاد» برای توصیف آن استفاده می‌کنند (Sattarov, 2017).

معاملات نظامی-امنیتی، بخش قابل توجهی از روابط متقابل رژیم اشغالگر قدس و آذربایجان را تشکیل می‌دهد که تعدد و حجم ملاقات‌های نمایندگان ارشد وزارت دفاع رژیم اشغالگر قدس و آذربایجان مؤید این نکته است. در طول ۲۰ سال گذشته آذربایجان و رژیم اشغالگر قدس پیوندهایشان را در باب موضوعات نظامی و تبادل اطلاعات امنیتی توسعه داده‌اند. در سال ۲۰۰۸ مقامات آذربایجانی با کمک سرویس‌های اطلاعاتی رژیم اشغالگر قدس، حملات تروریستی را خنثی کردند که قصد حمله به سایت‌های استراتژیک آذربایجان از جمله ایستگاه رادار ضد موشکی قبله^۱، بزرگترین تأسیسات دفاعی موشکی در قفقاز جنوبی و سفارت رژیم اشغالگر قدس در باکو را داشتند. در دهه ۹۰ رژیم اشغالگر قدس، ایستگاه‌هایی برای اطلاعات الکترونیکی در طول مرزهای آذربایجان با ایران تأسیس کرد. در سال ۲۰۱۱ رژیم اشغالگر قدس شروع به تأمین آذربایجان با هواپیماهای کنترل از راه دور برای دیده‌بانی مرز آذربایجان با ایران کرد. همچنین آذربایجان از کمپانی‌های امنیتی رژیم اشغالگر قدس برای تأمین سرویس‌های نهادهای حساس استفاده می‌کند. در سال ۲۰۰۱، بنگاه رژیم اشغالگر قدسی، مگال سیستم^۲، در مناقصه ساخت حصار امنیتی برای فرودگاه بینا^۳ باکو، یکی از دارایی‌های استراتژیک مهم آذربایجان، پیروز شد. در سال ۲۰۰۴ ترکیه و رژیم اشغالگر قدس، مذاکرات نظامی آذربایجان را به‌طور مشترک شروع کردند؛ اما توازن قدرت اصلی به سمت قفقاز در نتیجه جنگ روسیه و گرجستان در سال ۲۰۰۸ سوق یافت. سرانجام، آذربایجان یک قرارداد ۵۶ میلیون دلاری با شرکت سیستم الیت^۴ رژیم اشغالگر قدس برای ارتقای تانک تی ۷۲ بست (Murinson, 2014: 22).

جریان درون‌ریز سرمایه آذربایجان، به‌خاطر موقعیت بین‌المللی قدرت در حال ظهور اقتصادی و پتروشیمی‌اش، منجر به میل به تغییر موازنه نظامی در جهت تعارض بر سر مناطق اشغال شده توسط ارمنستان و حتی سیگنال به ایران به‌خاطر حمایت از ارمنستان شده است. به همین سبب، قسمت قابل توجهی از بودجه دولت آذربایجان برای بخش دفاعی و خرید تسلیحات جدید و لوازم نظامی صرف می‌شود (Murinson, 2014: 24). هزینه‌های نظامی آذربایجان در سال ۲۰۰۰ نزدیک به ۳۰۰ میلیون دلار، در سال ۲۰۰۵ به اندکی بیش از ۵۰۰ میلیون دلار رسید و در سال‌های

1. Gabala
2. Magal System
3. Bina Airport
4. Elbit System

۲۰۰۶ و ۲۰۰۷ نزدیک به ۱۳۰۰ میلیون دلار بوده است. بر اساس داده‌های جدول زیر مشخص می‌شود که هزینه نظامی آذربایجان روند صعودی در ۸ سال گذشته داشته است.

جدول ۳: هزینه‌های نظامی آذربایجان

سال	هزینه (میلیون دلار)	سال	هزینه (میلیون دلار)
۲۰۰۷	۱۳۰۰	۲۰۱۲	۲۷۲۸/۲
۲۰۰۸	۱۶۵۲/۶	۲۰۱۳	۲۷۵۹/۲
۲۰۰۹	۱۴۵۸/۳	۲۰۱۴	۲۷۷۰
۲۰۱۰	۱۳۸۱/۶	۲۰۱۵	۳۰۲۰/۸
۲۰۱۱	۲۶۲۸/۶	۲۰۱۶	۱۹۳۱/۸

منبع: < <https://tradingeconomics.com/azerbaijan/military-expenditure> >

در دهه گذشته، رژیم اشغالگر قدس به‌طور رسمی میزان قابل توجهی سلاح‌های غیرمرگبار، شامل اشک‌آورها، پرتابه‌های غیرکشنده، تپانچه‌های برقی، جنگ‌افزارهای انرژی هدایت شونده و نارنجک‌های دودزا، به آذربایجان فروخته است. همچنین فروش سلاح شامل وسایل نقلیه زرهی، انواع مختلف هواپیماهای بدون سرنشین، سیستم‌های دفاعی هوایی و سیستم‌های توپخانه موشک می‌شود. حتی در یک گام فراتر از این مرحله، بعضی از این سیستم‌های تسلیحاتی که ابتدا توسط آذربایجان از رژیم اشغالگر قدس خریداری شده است، امروز تحت لیسانس تضمین شده کارخانه‌های رژیم اشغالگر قدس در آذربایجان تولید می‌شوند (Sattarov, 2017).

علاوه بر خریدهای نظامی آذربایجان از رژیم اشغالگر قدس که در جدول ۴ به نمایش درآمده است، آذربایجان برای مقابله با ارمنستان که به‌تازگی موشک بالستیک کوتاه‌برد اسکندر روسی را خریداری کرده است، در دیدار نتانیاهو از آذربایجان در سال ۲۰۱۶ علاقه آذربایجان را به خرید سیستم دفاعی موشکی گنبد آهنین بیان داشت. این سیستم دفاعی که به‌وسیله شرکت سیستم‌های دفاعی پیشرفته رافائل توسعه یافته است می‌تواند از راکت‌های برد کوتاه پرتاب‌شده تا ۷۰ کیلومتر جلوگیری کند.

جدول ۴: همکاری نظامی اسرائیل و جمهوری آذربایجان

سال	فروش نظامی اسرائیل به آذربایجان
۲۰۱۰	۱۰ عدد هواپیمای جاسوسی بدون سرنشین Hermes-450؛ ۱۰ هواپیمای بدون سرنشین Aerostar.
۲۰۱۱	فروش ۱/۶ میلیارد دلار سلاح و مهمات و دیگر تجهیزات نظامی؛ قرارداد خرید سیستم موشکی باراک - ۸ و ۷۵ عدد موشک؛ فروش سیستم راداری گرین پاین «موشک‌های باله دا Gabriel-5، مورد استفاده در تهاجمات دریایی و ده فروند هواپیمای جاسوسی بدون سرنشین تجهیز؛ فروش ۲ عدد هواپیمای Hermes-450 و پنج عدد هواپیمای Heron و پنج عدد دیگر هواپیمای Searcher.
۲۰۱۲	فروش هواپیمای بدون سرنشین و رادارهای پیشرفته؛ قرارداد خرید راکت و مین ضدتانک Spike-SR و Spike-LR و سیستم آتش سنگین ۱۲۲ میلی متری Lynx.
۲۰۱۴	برگزاری نمایشگاه بین‌المللی تجهیزات نظامی در باکو؛ حضور شرکت‌های رژیم اشغالگر قدسی در باکو؛ خرید گسترده تجهیزات نظامی آذربایجان از این شرکت‌ها؛ فروش ۱۲ فروند کشتی برای محافظت از سواحل آذربایجان؛ فروش موشک‌های ضدکشتی گابریل ۵.
۲۰۱۶	تحويل هواپیماهای بدون سرنشین به آذربایجان؛ قرارداد نظامی ۵ میلیارد دلاری (در جریان سفر نتانیاهاو به باکو).

منبع: <http://www.yjc.ir> و arannews.com

با توجه به فعالیت‌های گسترده رژیم اشغالگر قدس در دو بعد اقتصادی و امنیتی نظامی در آذربایجان می‌توان گفت نفوذ رژیم اشغالگر قدس در آذربایجان به شدت تعمیق یافته است که تهدیدی بر ضد امنیت ملی ایران است. این نفوذ منجر به تضعیف نفوذ ایران در آذربایجان، تقویت نخبگان واگرا با ایران، تسهیل زمینه حضور امریکا (متحد رژیم اشغالگر قدس) در منطقه قفقاز، محدود ساختن حضور و فعالیت شرکت‌های خصوصی ایرانی در آذربایجان و منطقه قفقاز، سوق یافتن بازار کالاهای ایرانی در آذربایجان به سمت کالاهای رژیم اشغالگر قدسی و محروم شدن ایران از دسترسی به فرصت‌های اقتصادی شده است.

پ- همکاری‌های امریکا و آذربایجان

پیش از بررسی روابط اقتصادی و امنیتی- نظامی امریکا و آذربایجان بیان چند نکته ضروری است. نخست: مهم‌ترین هدف امریکا در آسیای مرکزی و قفقاز، حفظ وضع ناپایدار موجود و حضور و نفوذ سیاسی و اقتصادی و امنیتی درازمدت در منطقه و مقابله با نیروهایی است که در راستای منافع امریکا قرار ندارند. سیاست امریکا در قفقاز در راستای سیاست جهانی این کشور است که با قدرت‌هایی که در منطقه سیاست‌های همسو با منافع امریکا ندارند، مقابله می‌کند. دوم: اهداف امریکا در منطقه قفقاز شامل چند مورد است: مهار اسلام‌گرایی و جلوگیری از رشد اسلام‌خواهی، جلوگیری از استیلای مجدد روسیه در منطقه، اهداف نظامی همچون گسترش ناتو به شرق و مهار سلاح‌های اتمی در منطقه و محدودیت و مهار و انزوای ایران. سوم: یکی از متغیرهای اصلی تأثیرگذار بر ماهیت روابط ایران و آذربایجان، مداخله قدرت‌های فرامنطقه‌ای به خصوص امریکا است. سیاست خارجی امریکا با هدف جلوگیری از نفوذ ایران در منطقه آذربایجان شامل چند مورد می‌شود: تخریب چهره ایران نزد ملل منطقه؛ جلوگیری از همکاری‌های سیاسی و اقتصادی و فرهنگی کشورهای منطقه قفقاز با ایران؛ تلاش برای ارائه الگوی مد نظر امریکا به کشورهای منطقه قفقاز؛ مخالفت با عبور خطوط انتقال انرژی حوزه دریای خزر از ایران به بازارهای بین‌المللی.^۱

روابط اقتصادی

یک سال پس از استقلال آذربایجان، روابط امریکا و آذربایجان با افتتاح سفارت‌خانه‌های دو کشور رسمیت یافت. روابط دو کشور در طول سه دوره ریاست جمهوری کلینتون و بوش پسر و اوباما دارای فرازونشیب‌هایی بوده است. به گونه‌ای که در دوره کلینتون روابط دو کشور از بعد اقتصادی به شدت توسعه می‌یابد و در دوره بوش پسر وارد مرحله استراتژیک می‌شود. در این دوران، آذربایجان از عملیات آزادی عراق حمایت می‌کند و به امریکا اجازه می‌دهد از پایگاه‌ها هوایی‌اش استفاده کند و نیروهای حافظ صلح‌اش را به عراق ارسال می‌کند. در واقع، در این دوره آذربایجان نشان می‌دهد یک شریک باثبات و قابل اعتماد برای امریکا است. در دوران اوباما این رابطه تا حدی تحت تأثیر مباحث حقوق بشری مطرح شده از سوی امریکا ضعیف می‌شود؛ چراکه آذربایجان آن را مداخله در امور داخلی خود و نتیجه موضع‌گیری‌اش در قبال قضیه اوکراین ارزیابی می‌کند. آذربایجان در قضیه اوکراین موضع بی‌طرفی اتخاذ کرد که منجر به

نارضایتی امریکا شد (Ibrahimov, 2014: 5).

روابط آذربایجان و امریکا از بعد اقتصادی و امنیتی - نظامی حائز اهمیت است. در بخش اقتصادی، این رابطه مبتنی بر قراردادهای تجاری دوجانبه است. همچنین برنامه «سیستم کلی ترجیحات»^۱ کشور آذربایجان را تبدیل به یک کشور ذی نفع کرده است که یک طیف از تولیدات آذربایجان امکان معافیت از مالیات جهت ورود به بازارهای امریکا برای آن‌ها وجود دارد. همچنین کمپانی‌های امریکایی در بخش‌های ارتباطات دوربرد و انرژی آذربایجان فعال هستند. به گونه‌ای که در توسعه پروژه‌های نفت فراساحلی آذربایجان شرکت‌های امریکایی فعال هستند. لازم به توضیح است که در بخش انرژی امریکا از حامیان اصلی خط لوله استراتژیک باکو - تفلیس - جیحون و پروژه انتقال گاز آذربایجان از حوزه شاه‌دیز به ایتالیا توسط شرکت بریتیش پترولیوم است. در بخش انرژی، این همکاری منجر به ایجاد کریدور فرامنطقه‌ای شده است که اروپا را به آذربایجان متصل می‌کند. حاصل این کریدور به دو صورت کلی درآمدهای قابل توجه برای آذربایجان و ایجاد شراکت بلندمدت و امن میان امریکا و اروپا و منطقه دریای خزر قابل مشاهده است. این دو نتیجه باعث رونق برنامه‌های توسعه‌ای در آذربایجان شده است.^۲ اهمیت این مسئله زمانی بیشتر نمود می‌کند که بدانیم در سال‌های اخیر دو محصول اولیه صادراتی آذربایجان نفت خام و نفت تصفیه شده بود و مهم‌ترین شرکای تجاری آذربایجان هم ایتالیا و آلمان و فرانسه هستند و امریکا پس از ترکیه و روسیه سومین رتبه صادرکننده را به آذربایجان دارد.^۳

روابط امنیتی - نظامی

به غیر از روابط اقتصادی، دو کشور روابط نظامی - امنیتی نیز دارند. علاوه بر خریدهای نظامی آذربایجان از امریکا که در جدول زیر به نمایش در آمده است، در طول حمله امریکا به افغانستان، امریکا این اجازه را یافته بود که از راه‌های آبی، خاکی و هوایی آذربایجان برای پشتیبانی نیروهایش در افغانستان استفاده کند. محور ملاقات‌های مقامات دفاعی آذربایجانی و امریکایی همواره همکاری با ناتو و عملیات ضد تروریسم و امنیت دریایی بوده است. حمایت‌های امریکا از آذربایجان شامل حمایت از نهادها و مؤسسات امنیتی - دفاعی آذربایجان، آموزش و مشاوره در

1. Generalized System of Preferences

2. foreignpolicynews.org/2014

3. atlas.media.mit.edu

روابط مدنی - نظامی، آموزش تخصصی نظامیان آذربایجانی و مدیریت اضطراری می‌شود.^۱

جدول ۵: کمک‌های نظامی امریکا به آذربایجان

سال	کمک‌های نظامی امریکا به آذربایجان
۲۰۰۱	تحويل دو فروند کشتی جنگی گشت زنی
۲۰۰۲	تاسیس کنسول دفاعی در باکو کمک نظامی به مبلغ ۴/۴ میلیون دلار در راستای برنامه کمک امنیتی به وزارت دفاع آذربایجان
۲۰۰۳	تحويل سومین کشتی گشت زنی
۲۰۰۵	کمک ۸,۵ میلیون دلار برای مبارزه با مواد مخدر کمک ۱۱,۵ میلیون دلاری در راستای کمک‌های ضد تروریستی
۲۰۰۹	فروش ۵۰ عدد کشنده دیزلی جنگی Cummins- V6
۲۰۱۱	۶۰ عدد دیگر کشنده Cummins- V6

منبع: arannews.com و www.azembass.com

مهمترین نمود همکاری نظامی آذربایجان و امریکا، فعالیت آذربایجان در ناتو است. علت اصلی گرایش آذربایجان به ناتو، ضعف نظامی این کشور در مقابل ارمنستان بوده است. همکاری‌های آذربایجان با ناتو از سال ۱۹۹۴ شروع شد؛ اما در توسعه این روابط، بحران قره باغ همواره به‌عنوان یک عامل منفی تأثیرگذار بود. در سال‌های ۱۹۹۲ تا ۲۰۰۱ همکاری امریکا و ناتو با آذربایجان به‌خاطر محدودیت‌های ناشی از مقررات بخش ۹۰۷ قانون حمایت از آزادی که ارائه هرگونه کمک از جمله کمک نظامی به آذربایجان را ممنوع می‌ساخت، از پیشرفت برخوردار نبود. پس از آن که آذربایجان در سال ۱۹۹۸ در قالب پیوستن به فرایند برنامه‌ریزی و بازبینی^۲، یک واحد حفاظت از صلح و کمیسیون دولتی همکاری با ناتو را ایجاد کرد و در سال ۱۹۹۹ به فرایند برنامه‌ریزی و بازبینی ملحق شد، یک واحد نظامی خود را در کزوو مستقر ساخت. پس از ۱۱ سپتامبر، جرج بوش خواهان تقویت همکاری با آذربایجان شد و برخی محدودیت‌ها برای آذربایجان در سال ۲۰۰۲ لغو شد و آذربایجان در افغانستان و عراق حضور یافت و در سال ۲۰۰۳ آمادگی خود را برای مشارکت در برنامه اقدام همکاری^۳ اعلام داشت (مرادی، ۱۳۸۶: ۱۳-۱۴). حضور آذربایجان در عراق و افغانستان زمینه‌ساز کمک ۵ میلیون دلاری امریکا به این کشور شد.

1. forennolicvnews.org/2014
2. Planning and Review Process (PARP)
3. Individual Partnership Action Plans (IPAP)

ناتو از پیوستن آذربایجان به این پیمان تنها اهداف مهم نظامی امنیتی را با تمرکز بر رقابتی مهم امنیتی اش یعنی روسیه و چین و ایران، به عنوان تهدید منطقه‌ای مهم، دنبال نمی‌کند (عابدی، ۱۳۹۴: ۴-۱)، بلکه اهداف اقتصادی هم در پشت این همکاری وجود دارد؛ به گونه‌ای که مقوله تأمین امنیت انرژی اعضای ۹۰۰ میلیونی ناتو از اهداف مهمی قلمداد می‌شود که آذربایجان در آن جایگاه مهمی دارد. این نهاد می‌تواند با چنین رویه‌ای به جای انفعال در برابر سیاست‌های صادرکنندگان انرژی، نقش فعال در آینده انرژی جهان داشته باشد و از میزان آسیب‌پذیری اروپا در مقابل روسیه بکاهد (اعظمی، ۱۳۹۶: ۱۰). اگرچه توسعه همکاری آذربایجان با ناتو به بهبود وضعیت داخلی و موقعیت منطقه‌ای آذربایجان کمک کرده است، به نظر می‌رسد با حضور نظامی امریکا و ناتو در منطقه، آسیب‌پذیری ایران در مقابل آذربایجان به منظور دفاع از حقوق خویش بیشتر می‌گردد. در مقابل، ایران برای مقابله با یک‌جانبه‌گرایی آذربایجان در منطقه هزینه‌های زیادی را بایست پرداخت کند (متقی، ۱۳۹۴: ۱۲۵).

ت- ارمنستان و بحران قره باغ

ارمنستان از جمله کشورهای قفقاز جنوبی است که از سال ۱۹۹۲ به بعد روابط خود را با ناتو تحکیم بخشیده است. ارمنستان در سال ۱۹۹۲ به اتحادیه تازه تأسیس شورای همکاری اتلانتیک شمالی^۱ پیوست که در سال ۱۹۹۷ به نام شورای همکاری یوروآتلانتیک^۲ تغییر یافت. در سال ۱۹۹۴ ارمنستان به اتحادیه مشارکت برای صلح ملحق شد. در سال ۲۰۰۲ ارمنستان ضمن اتصال به شاهراه مجازی ابریشم به پروژه بازبینی و برنامه‌ریزی ناتو ملحق می‌شود و در سال ۲۰۰۳ میزبان اجلاس «بهترین اقدام مشترک» می‌شود. در سال ۲۰۰۴ نیروهای نظامی ارمنستان به نیروهای حافظ صلح در کوزو می‌پیوندند. در سال ۲۰۰۵ رئیس‌جمهور ارمنستان از مقر اصلی ناتو دیدار می‌کند. در سال ۲۰۰۶ ناتو و ارمنستان در مورد «برنامه اقدام همکاری» به توافق می‌رسند. در همین سال، نرکز اطلاعات ناتو و ارمنستان به طور رسمی در ایروان گشوده می‌شود. در سال ۲۰۰۸ نیز رئیس‌جمهور ارمنستان از مقر اصلی ناتو دیدار می‌کند.^۳

جنگ قره باغ میان ارمنستان و آذربایجان از سال ۱۹۸۸ تا ۱۹۹۴ ادامه داشت و از آن سال تاکنون در حالت آتش‌بس قرار دارد. دو کشور در نشست وین در سال ۲۰۱۶ تجدید آتش‌بس را

1. The North Atlantic Cooperation Council (NACC)
2. The Euro-Atlantic Partnership Council (EAPC)
3. Nato.int

پذیرفتند و سازمان امنیت و همکاری اروپا نظارت بر اجرای آتش‌بس را بر عهده گرفت. اختلافات آوریل ۲۰۱۶ که منجر به کشته شدن ۱۱۰ نفر شد با میانجی‌گری روسیه به آتش‌بس ختم شد.

محل این مناقشه به لحاظ جغرافیایی و اقتصادی برای هر دو کشور درگیر بسیار حائز اهمیت است؛ چراکه قره‌باغ سرچشمه چند رودخانه است که به آذربایجان می‌ریزند و آذربایجان بر روی آن‌ها سد بسته و از آن برای تولید الکتریسته استفاده می‌کند. همچنین معادن سنگ‌های قیمتی در این منطقه واقع شده است. با این که ۹۴ درصد جمعیت قره‌باغ ارمنه هستند؛ وجود گروه‌های افراطی در دو کشور و تضادهای قومی، مذهبی و فرهنگی منجر به ادامه یافتن این مناقشه شده است و پس از جنگ سال‌های ۱۹۹۳ - ۱۹۹۲، منطقه قره‌باغ و ۷ منطقه مجاور آن که حدود ۲۰ درصد از خاک جمهوری آذربایجان را شامل می‌شود تا به امروز در اشغال نیروهای ارمنی است (Najafizadeh, 2013: 166). پیشینه این منازعه به دوره اتحاد شوروی بازمی‌گردد که کمیسیون ترسیم خطوط مرزی میان جمهوری‌های شوروی تصمیم گرفت منطقه قره‌باغ را به‌عنوان یک منطقه خودمختار در درون جمهوری آذربایجان قرار گیرد (Nichol, 2014: 2).

آذربایجان در مسئله قره‌باغ بر همکاری‌های گسترده ایران و ارمنستان نیز تمرکز داشته است. ایران و ارمنستان دارای یک تراز تجاری مثبت به نفع ایران هستند و نیز تاکنون چندین موافقت‌نامه دوجانبه در زمینه انرژی، ورزش، حفاظت از محیط زیست، مراقبت‌های بهداشتی، کشاورزی، آموزش و پرورش، علوم و فرهنگ امضاء کرده‌اند.^۱ هدف اصلی ارمنستان از توسعه روابط خود با ایران کاهش وابستگی به روسیه است. از نگاه ارمنستان، روسیه تضمین‌کننده امنیت این کشور است؛ اما برای تأمین منافع ملی به دنبال تنوع بخشی به سیاست خارجی خود است. روسیه، شریک اصلی اقتصادی و نظامی ارمنستان است و پارلمان ارمنستان در اواخر سال ۲۰۱۷ قراردادی را تأیید کرد که اجازه می‌دهد روسیه یک پایگاه نظامی را در ارمنستان تا سال ۲۰۴۴ حفظ کند.

ایران در منطقه قره‌باغ نفوذ بسیار زیاد دارد به گونه‌ای که روبرت کوچاریان که نخستین رئیس جمهور قره‌باغ بود و به نخست وزیر ارمنستان رسید، از سوی ایران به شدت حمایت می‌شد و حتی سومین زبان وی نیز فارسی است. سرژ سرکیسیان که نخست وزیر ارمنستان در دولت کوچاریان بود و در سال ۲۰۰۷ مجدداً به نخست وزیر ارمنستان برگزیده شد و از چهره‌های امنیتی نیز بوده است، از حمایت کامل ایران برخوردار است. همچنین یکی دیگر از نشانه‌های

رابطه خوب ایران و ارمنستان، مسئله لغو روادید است که آخرین توافق آن به سال ۲۰۱۶ مربوط می‌شود.

ث- پان ترکیسم و پان آدریسم

اگرچه پان ترکیسم ابتدا در قالب یک گرایش ادبی در آثار افرادی چون ضیاءپاشا و احمد توفیق بروز کرد، به واسطه نوشته‌های یهودی تبارها، همچون ارتور لوملی و لئوناردو کاهون، تغییر جهت داد. پس از انقلاب ۱۹۱۷ روسیه، این جنبش سرکوب شد؛ اما در سال ۱۹۹۱ تجدید حیات یافت. تشکیل مجمع خلق‌های ترک تبار در قازان خبر از نهادینه شدن جنبش پان ترکیسم می‌داد. پس از فروپاشی شوروی، پان ترکیسم به اصل سیاست خارجی ترکیه تبدیل می‌شود و در روی کار آوردن جبهه خلق در آذربایجان و پس از سقوط ایلچی بیگ، تلاش ترکیه برای ایجاد کودتا در آذربایجان در راستای همین اصل توضیح داده می‌شود (کاظمی، ۱۳۸۵: ۳۸).

پان ترک‌ها اجرای اهداف پان آدریسم را گامی در جهت تحقیق ایده‌های پان ترکیستی می‌دانند (کاظمی، ۱۳۸۵: ۵۱). در جمهوری آذربایجان بیشتر بر روی پان آدریسم تمرکز می‌شود. فعالیت‌های صورت گرفته در آذربایجان در جهت تضعیف شیعه به واسطه دولت لائیک با حمایت ترکیه و غرب در همین راستا تفسیر می‌شود. از جمله اقدامات نمادین این گروه، شنای بعضی آذری‌ها در رود ارس در تاریخ ۳۱ دسامبر ۱۹۸۹ برای رسیدن به ایران است که همین روز توسط الهام علی‌اف، به عنوان روز همبستگی آذری‌های جهان نام‌گذاری شده است (کاظمی، ۱۳۸۵: ۵۹-۶۲).

در بررسی روابط ایران و جمهوری آذربایجان، توجه به مفهوم پان ترکیسم ضروری است. وجود گرایش‌های پان ترکیسم، به‌ویژه در جمهوری آذربایجان، عاملی بازدارنده و منفی در روابط بین ایران و جمهوری آذربایجان بوده است (کولایی، ۱۳۸۹: ۱). در جمهوری آذربایجان این انگاره که آذری‌ها مردمی بودند که توسط همسایگان قدرتمندشان، امپراتوری‌های روسیه و ایران، از یکدیگر جدا شده‌اند، به شکل گسترده‌ای توسط دولت و بسیاری از مقام‌ها و ملت باوران آذری ترویج می‌شود؛ اما احساس‌های اقلیت پرجمعیت آذری در ایران در ارتباط با هویت قومی آن‌ها در برابر دولت، تفاوت بسیاری با آذری‌های جمهوری آذربایجان دارد (عطایی، ۱۳۹۱: ۱۳۶).

ایده «آذربایجان واحد» بارها از سوی ایران مورد اعتراض قرار گرفته است، از جمله می‌توان به

واکنش ایران نسبت به موارد مطرح شده در کنگره جهانی آذربایجانی^۱ در مارس ۲۰۰۶ در باکو اشاره کرد. چنین ایده‌ای با توجه به پیوندهای خویشاوندی و مذهبی و فرهنگی جمعیت‌های ترک دو سوی ارس، نگرانی‌هایی را برای ایران از نظر امنیتی به وجود آورده و به همین دلیل بارها از طرف تهران محکوم شده است (کولایی، ۱۳۹۱: ۸۶).

حیدر علی‌اف در ابتدای ریاست جمهوری‌اش، در ارتباط با بحث‌های مربوط به آذربایجان واحد و تجزیه استان‌های آذری ایران گفت: ادعاهای مربوط به پیوستن مناطق آذری دو سوی رود ارس به همدیگر و ایجاد آذربایجان متحد یک ایده واهی و غیراصولی است (Allnutt, 2008)؛ اما بعد از گذشت مدت زمان کوتاهی، در طرح روی جلد کتاب سال پنجم مدرسه‌های ابتدایی جمهوری آذربایجان، استان‌های آذربایجان شرقی، غربی، اردبیل، همدان، زنجان، قزوین و گیلان با نام جمهوری آذربایجان و به همراه پرچم این کشور چاپ شد (کولایی، ۱۳۸۹: ۹۱). در واقع، جمهوری آذربایجان از راه تمرکز یافتن بر اتحاد آنچه تبلیغات رسمی جمهوری آذربایجان «آذربایجان شمالی و جنوبی» می‌خواند، تلاش می‌کند با تحریک آذری‌های ایران، از آن‌ها به‌عنوان اهرم فشاری علیه ایران استفاده کند. از آنجا که ایدئولوژی پان‌ترکیسم جنبه‌های پیوست‌گرایانه و ضد ایرانی دارد، ایران به هرگونه ایده پان‌ترکیستی و پان‌آذریستی در منطقه حساس بوده و به شدت با آن مخالف است (احمدی، ۱۳۸۸: ۱۵).

نتیجه‌گیری: تبدیل تهدید به فرصت

در منطقه قفقاز جنوبی منافع اصلی ایران در چند مورد خلاصه می‌شود: **(الف)** کاهش نفوذ قدرت‌های خارج از منطقه (امریکا و رژیم اشغالگر قدس) و نیز روسیه؛ **(ب)** استمرار خنثی‌سازی تهدیدات امنیتی ممکن و ثبات قفقاز جنوبی؛ **(ج)** به دست آوردن جای پای عظیم‌تر در توسعه اقتصادی و فرهنگی و **(د)** روشن ساختن رژیم حقوقی دریای خزر.

در زمین بازی آذربایجان، ایران در مقابل مهم‌ترین دشمن خود یعنی رژیم اشغالگر قدس، بازیگر نیابتی از سوی امریکا در منطقه، قرار می‌گیرد که چند ملاحظه اصلی را باید در ارتباط با

۱. در ماه ژوئن ۱۹۹۷، کنگره‌ای به نام «نخستین کنگره جهانی آذربایجانی‌ها» در میان تشنجات فراوان در لس‌آنجلس برگزار شد. عده‌ای در آن کنگره، در پی تجزیه آذربایجان ایران بودند و اصرار می‌ورزیدند که بایستی از سفیر آذربایجان شوروی سابق نیز برای شرکت در این جلسه دعوت می‌شد. این افراد اجازه ورود پرچم ایران را ندادند. روزنامه‌های فارسی‌زبان منطقه، عموماً و نیز عده‌ای از ایرانیان آذری، علناً، به جنگ این تجزیه‌طلب‌ها رفتند. برخلاف تبلیغات، عده کمی در آن کنگره شرکت جستند که یکی از اعضای کنگره، جواد هیئت بود.

آن در نظر بگیرد: نخست: ایران سی و دومین کشوری است که آذربایجان را به رسمیت شناخت، در حالی که رژیم اشغالگر قدس در رتبه یازدهم قرار داشت؛ دوم: آذربایجان، رژیم اشغالگر قدس را به عنوان منبع تأمین کننده سخت افزار پیچیده و ابزارهای اطلاعاتی و امنیتی خود می نگرده؛ سوم: برای آذربایجان، مهم ترین روزنه نفوذ به امریکا و دریافت حمایت های ویژه در مقابل روسیه، لابی قدرتمند رژیم اشغالگر قدس در امریکا است؛ چهارم: رژیم اشغالگر قدس اگرچه رابطه نظامی - امنیتی خوبی با آذربایجان دارد، این رابطه به واسطه تهاثر کالا یعنی کالای نظامی در مقابل صادرات نفت و گاز به رژیم اشغالگر قدس شکل گرفته است، یعنی رژیم اشغالگر قدس پول نقد در ازای فروش انرژی به آذربایجان نمی دهد و این مسئله در بلندمدت منجر به نارضایتی آذربایجان شده است.

در مقابل واقعیات گفته شده، ایران دارای چند کارت بازی است:

الف - ایران تنها قدرت منطقه است که در هر سه کشور قفقاز جنوبی دارای سفارت خانه است؛ بنابراین می تواند از ظرفیت های خود در رابطه ای چندبعدی بهره برداری کند. اگر محور باکو - تل آویو - آنکارا که یک محور ضد ایرانی بود توانست ابزار نفوذ رژیم اشغالگر قدس و امریکا بر ضد منافع ایران باشد، با توجه به روندهای بین المللی جدید و فاصله بین آذربایجان با تل آویو و آنکارا با واشنگتن و نزدیکی مسکو و آنکارا پس از تلاش برای سقوط دولت اردوغان، فرصتی مناسب برای ایران جهت تقویت هم گرایی میان ایران، آذربایجان، ترکیه و روسیه شکل گرفته است.

ب - در سیاست های اعلامی حاکمیت آذربایجان تأکید بر حفظ رابطه با ایران و روسیه و ترکیه وجود دارد. پس از آن که امریکا، روسیه و ایران را تحریم کرد و روابط ترکیه با امریکا پس از کودتا بر ضد دولت اردوغان با مشکل مواجه شد و ترکیه روابط خود را با ایران و روسیه محکمتر ساخت، به نظر می رسد فرصت مناسبی برای ایران پیش آمده است که بتواند از اختلافات روسیه و ترکیه در آذربایجان به واسطه مسئله قره باغ بکاهد و به این ترتیب، تهدیدات بر ضد امنیت ایران به واسطه گروه های جدایی طلب آذری را کم رنگ تر کند. اگر قبلا آذربایجان بازیگر نیابتی از سوی ترکیه و البته غرب در برابر روسیه بود، و در مقابل، ارمنستان به عنوان بازیگر نیابتی از سوی روسیه بود، امروز برای ایران این فرصت هست تا با تعدیل مناقشه قره باغ، وضعیت آتش بس را با ثبات کند و تداوم بخشد.

پ - ایران عظیم ترین ذخایر گاز جهان را دارد که می تواند در همکاری با آذربایجان تبدیل

به مهم‌ترین تأمین‌کنندگان کلیدی گاز اروپا شوند. از آنجا که آذربایجان تمام گاز تولیدی خود در منطقه شاه‌دیز را تا سال ۲۰۲۰ به کشورهای اروپایی پیش‌فروش کرده است، برای نیازهای داخلی باید از ایران گاز وارد کند. آذربایجان برای اجرایی شدن فاز دوم شاه‌دیز خواستار مشارکت ایران است تا بتواند با افزایش ظرفیت تولید و صادرات به تعهدات خود عمل نماید. این در حالی است که کشورهای اروپایی هم درباره ناتوانی میدان‌گازی شاه‌دیز در تأمین حجم عظیم گازی موردنیاز خطوط انتقال گاز تاپ (ترنس ادریاتیک) و تاناپ (ترنس آناتولین) نگران هستند. این مسئله برای ایران با توجه به تجربه مستثنی شدن شرکت نیکو از تحریم‌های دوران اوباما یک فرصت است؛ زیرا در صورت حضور و سرمایه‌گذاری بیشتر در بخش انرژی در مناطق پیرامونی به‌خصوص در حوزه انرژی، هزینه نادیده گرفتن ایران افزایش می‌یابد. اگرچه دولت ایران ملاحظات اقتصادی (قیمت‌گذاری کم گاز و غیرواقعی بودن آن) در ارتباط با این طرح دارد، باید توجه داشت که حضور و مشارکت ایران در طرح‌های کلان انرژی منطقه در نگاهی بلندمدت و استراتژیک حائز اهمیت است. این حضور فرصت خوبی برای تقویت مناسبات دوجانبه ایران و جمهوری آذربایجان است و نیز ایران به‌صورت عملی با امنیت انرژی اروپا پیوند خواهد خورد و در جایگاه یکی از منابع مهم تأمین انرژی اروپا قرار می‌گیرد.

ت- حضور داعش در سوریه و عراق و تجربه ایران برای مبارزه با آن زمینه‌ساز نزدیکی دو کشور در قالب همکاری بر ضد تروریسم و شناسایی گروه‌های سلفی- وهابی از سوی آذربایجان به‌عنوان تهدید اصلی و نزدیکی دولت آذربایجان به سوی گروه‌های شیعه شده است. تعداد ۹۰۰ آذربایجانی با داعش همکاری کرده‌اند که نتیجه تساهل و تسامح دولت آذربایجان با تبلیغات وهابیت به‌وسیله عربستان و کویت در قالب فعالیت‌های خیریه بوده است. به‌خاطر مسئله لغو روایید میان ایران و آذربایجان، داعشی‌های اذری از خاک ایران برای رفت‌وآمد به افغانستان و پاکستان استفاده کرده‌اند^۱ و با توجه به این که ایران از اهداف داعش است، گسترش داعش در آذربایجان تهدید امنیتی برای هر دو کشور است لذا همکاری‌های ضد تروریستی برای هر دو کشور حائز اهمیت است، در عین حال که ایران تجربه موفقی از مبارزه با داعش دارد. گسترش و علنی شدن این همکاری میان دو کشور می‌تواند محدودیتی باشد برای همکاری‌های نظامی امنیتی رژیم اشغالگر قدس در آذربایجان که هدف عمده آن‌ها تهدید ایران بوده است.

ث- بحران قره‌باغ اگرچه یک تهدید برای ایران ارزیابی شده است، نوع کنشگری ایران بر

حسب منافع ملی و وضعیت منطقه توانسته است آن را تبدیل به یک فرصت برد- برد کند. بر اساس اطلاعات جدید، ایران نقش مثبتی در همکاری با دولت آذربایجان در مسئله قره‌باغ دارد. این همکاری شامل حمایت و آموزش ارتش جمهوری آذربایجان و ایجاد دسته‌های مقاومت و فرستادن سلاح و مهمات و تعلیمات نظامی برای ارتش این کشور و قرار دادن طرح‌های نظامی در اختیار ارتش جمهوری آذربایجان می‌باشد.^۱

ج- کریدور شمال به جنوب، فرصت اقتصادی خوبی برای آذربایجان محسوب می‌شود. دولت آذربایجان از طریق این کریدور به قطب پیونددهنده شرق به غرب تبدیل می‌شود که نقش محوری در ترانزیت و بازرگانی خواهد یافت. با آگاهی از این مسئله که دولت آذربایجان به درآمدهای نفتی وابسته است و با کاهش قیمت نفت، میزان درآمدهای نفتی آن نیز کاهش یافته و این دولت جهت انجام برنامه‌های توسعه‌ای خود نیازمند تنوع بخشی به محل درآمدهایش است، کریدور شمال به جنوب، چشم‌انداز درآمدهای باثبات را برای آذربایجان به ارمغان می‌آورد.



منابع

الف - فارسی

- دوئرتی، جیمز و رابرت فالتزگراف، (۱۳۷۶)، *نظریه‌های متعارض در روابط بین‌الملل*، ترجمه وحید بزرگی و علیرضا طیب، تهران: قومس.
- قوام، سید عبدالعلی، (۱۳۸۹)، *اصول سیاست خارجی و سیاست بین‌الملل*، تهران: سمت.
- قاسمی، فرهاد، (۱۳۸۹)، *اصول روابط بین‌الملل*، تهران: میزان.
- کاظمی، احمد، (۱۳۸۶)، *امنیت در قفقاز جنوبی*، تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر.
- _____، (۱۳۸۵)، *پان‌ترکیسم و پان‌آذربایسم*، تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر.
- مویر، ریچارد، (۱۳۷۹)، *درآمدی نو بر جغرافیای سیاسی*، تهران: سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.
- میرطاهر، سید رضا و سپهریان، سهراب، (۱۳۸۱)، *ویژگی‌های دریای خزر و نظام منطقه‌ای آن*، تهران: سازمان عقیدتی سیاسی نیروی انتظامی.
- ملکی، عباس، (۱۳۸۳)، «دریای خزر و ضرورت‌های زیست‌محیطی: هماهنگی برای مقابله با مشکلات، مجموعه مقالات همایش بین‌المللی آسیای مرکزی»، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه.
- احمدی، حمید، (۱۳۸۸)، «ترکیه، پان‌ترکیسم و آسیای مرکزی»، *مجله مطالعات اوراسیای مرکزی*، سال ۲، شماره ۲.
- ازغندی، علیرضا و آقا علیخانی، مهدی، (۱۳۹۱)، «بررسی عوامل واگرایی در روابط ایران و عربستان»، *فصلنامه سیاست*، دوره ۴۳، شماره ۲.
- اعظمی، هادی و دیگران، (۱۳۹۶)، «اهداف حضور قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در آذربایجان و تأثیر آن بر منافع ملی ایران»، *ماهنامه پژوهش ملل*، دوره ۲، شماره ۱۷.
- زین‌العابدین، یوسف و زهرا صابر، (۱۳۹۲)، «تحلیل زمینه‌های علایق ژئوپلیتیک ایران و آذربایجان و ترکمنستان با استفاده از مدل سنجش ماتریس»، *ژئوپلیتیک*، سال ۹، شماره ۲.
- عابدی، عقیقه، (۱۳۹۴)، «اهداف ناتو در آذربایجان»، *مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام*، شماره ۵۲.
- عطایی، فرهاد، (۱۳۹۱)، «ایران و کشورهای قفقاز جنوبی»، *مطالعات اوراسیای مرکزی*، سال ۵، شماره ۱۰.

- کولایی، الهه، (۱۳۸۹)، «جمهوری اسلامی ایران و ژئوپلیتیک قفقاز جنوبی»، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال ۶، شماره ۱.
- کولایی، الهه و اصولی، قاسم، (۱۳۹۱)، «چگونگی تغییر روابط امنیتی شده ایران و جمهوری آذربایجان»، مطالعات اوراسیای مرکزی، سال ۵، شماره ۱۰.
- متقی، افشین، (۱۳۹۴)، «تحلیل ژئوپلیتیکی موانع شکل گیری هم گرایی در منطقه آسیای مرکزی و قفقاز»، مطالعات اوراسیای مرکزی، دوره ۸، شماره ۱.
- مرادی، منوچهر، (۱۳۸۶)، «حضور ناتو در قفقاز جنوبی»، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، سال ۱۶، پاییز، دوره ۴، شماره ۵۹.
- نادرپور، بابک، (۱۳۸۲)، «رقابت ایران و ایالات متحده در منطقه خزر»، فصلنامه مطالعات خاورمیانه، سال ۱۰، شماره اول، شماره پیاپی ۳۳.
- رشد ۷۰ درصدی روابط تجاری ایران و جمهوری آذربایجان، برگرفته از سایت اقتصاد آنلاین: <http://www.eghtesadonline.com>
- پاسخ به معمای رژیم حقوقی خزر، (۱۴/۹/۹۶)، برگرفته از سایت دنیای اقتصاد: <http://donya-e-egtesad.com>
- تحلیلی بر نفوذ داعش در آذربایجان و تهدیدات امنیتی برای ایران (۱۳۹۴)، برگرفته از سایت خبری تحلیلی حقایق قفقاز، مهر: <http://qafqaz.ir/fa/?p=15066>
- پیوستن ۹۰۰ شهروند آذربایجان به داعش (۱۳۹۶)، برگرفته از سایت خبری تحلیلی عصر ایران، ۲ مهر: <http://www.asriran.com/fa/news/561929>
- علت عدم اعلان کمک ایران به آذربایجان در مسئله قره باغ چه بود؟، (۱۳۹۵/۰۱/۱۷)، برگرفته از خبرگزاری رجانیوز: <http://www.rajanews.com/news/238162>
- منافع امریکا در قفقاز و تأثیر آن بر روابط ایران با جمهوری های قفقاز جنوبی، برگرفته از سایت: qafqaz.ir
- پیامدهای اهداف رژیم اشغالگر قدس در منطقه قفقاز جنوبی، (۹۵/۷/۵)، برگرفته از سایت خبرگزاری ایرنا: iran.ir

ب- انگلیسی

- Alexander Murinson, (2014), "Ties between Israel and Azerbaijan", *MIDEAST Security and Policy Studies I*.
- Najafizadeh. M, (2013), "Ethnic Conflict and Forced Displacement: Narratives of Azeri ID Pand Refuge Women from the Nagorno-Kharabakh War", *Journal of International Womens Studies*, Vol.14, No. 1.

- Pyadushkin, Maxim, (2004), *Arming the Caucasus: Moscow's Accidental Legacy*, London, Safer World/TSAST.
- Zimnitskaya, Hanna, (2011), "James Von Geldern. Is the Caspian Sea a sea; and why does it matter?", *Jornal of Eurasian Studies* 2.
- "Azerbaijan Population 2015", World Population Review (2015).
- "Bilateral Relations with the Islamic Republic of Iran", Ministry of Foreign Affairs of the Republic of Armenia (2012).
- "Netanyahu Pays Visit to Strategically Positioned Azerbaijan", FrontPage Mag, December 16, 2016.
- <http://foreignpolicynews.org/2014/04/10/azerbaijans-strategic-relations-united-states>.
- <http://mfa.am/en/country-by-country/ir>, Accessed on: 24/5/ 2014.
- <http://worldpopulationreview.com/countries/azerbaijan-population>, (Accessed on: 26/12/2015).
- <http://www.eurasianet.org/departments/insight/articles/eav052202.shtml>.
- <https://atlas.media.mit.edu/en/profile/country/aze/>.
- <https://azertag.az/en/xeber/86467>.
- <https://eu.boell.org/en/2016/11/18/south-caucasus-and-eu-different-paths-eachcountry>.
- <https://www.azernews.az/business/111583.html>.
- <https://www.azernews.az/business/115744.html>.
- <https://www.azernews.az/nation/108333.html>.
- <https://www.haaretz.com> > Israel News.
- <http://www.eurasianet.org/departments/insight/articles/pp123007.shtml>.
- <http://news.az/articles/economy/58495>.
- <http://www.frontpagemag.com/fpm/265158/netanyahu-pays-visit-strategically-positioned-ari-lieberman>.
- <http://www.isn.ethz.ch>.
- <https://besacenter.org/wp-content/uploads/2014/10/MSPS110-web.pdf>.

- <https://tradingeconomics.com/azerbaijan/gdp-growth-annual>.
- nato.int.
- Allnutt, Luke, "Iran/Azerbaijan: Faith, Oil, and Power Threaten Historic Brotherhood, Eurasia Net", 15/03/2008.
- Azerbaijan GDP Annual Growth Rate, 2001-2017.
- Azerbaijan, Israel discuss agricultural cooperation. 18 April 2012.
- Azerbaijan, Israel discuss cooperation in Agriculture. 5 July 2017.
- Azerbaijan, Israel discuss prospects for agrarian cooperation. 06.12.2013.
- Azerbaijan's strategic relations with the United State. 10 April 2014.
- Chkhikvadze, Vano, "The South Caucasus and the EU – Different Paths for Each Country", European Union, November 18, 2016.
- Cohen, Ariel, (2002), "Iran's Intention on Caspian Issue Remain Unclear Following Azerbaijan Leaders visit Iran's".
- Ibrahimov, Rovshan, (2014), *U.S. – Azerbaijan Relations: A View from Baku*, Washington: Rethink Paper.
- Israel to help Azerbaijan grow own crops. 17 April 2017.
- Nichol, Jim, "Armenia, Azerbaijan, and Georgia: Political Development and Implication for U.S Intrests", Congressional Research Service Reports.
- OEC, Azerbaijan.
- Ravid, Barak, "Netanyahu: Iran Nuclear Deal Endangers Israel. We Will Defend Ourselves", November 24.2013.
- Relation with Armenia, 30 Nov. 2016.
- Sattarov, Des Orkhan. "Military Co Operation between Israel and Azerbaijan: Challenging implications of the changing regional context". 2 February 2017.



پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی